

## ایران‌ویج

مدخل «ایران‌ویج» از دانشنامه ایرانیکا<sup>۱</sup>

نوشته دیوید نیل مک کنزی

## ĒRĀN-WĒZ

David Neil MacKenzie

*Encyclopædia Iranica*

Translated by

Amirreza Kheirkhah



مترجم:

امیررضا خیرخواه

ایران‌ویج؛ نام تخصیص‌یافته در پارسی میانه به قلمرو آریایی‌هاست؛ تغییر یافته واژه ایرانی باستان آریانام‌ویج<sup>۲</sup> (رک واژه مشابه سغدی مانوی و احتمالاً اشکانی آریانویجن<sup>۳</sup>، مانند آریانویژن<sup>۴</sup>؛ هنینگ، ۵۵ و ۷۳). این واژه جز در صرف حالت ملکی جمع از صفت آریایی، با شکل اوستایی آیرینم‌ویجو<sup>۵</sup> مطابقت دارد و نخستین بار در یشت‌ها برای نامیدن جایی که زردشت ظهور (یشت ۹،۱۴) و برای آردویسور<sup>۶</sup> (نک مدخل «آناهیتا»<sup>۷</sup>) و دیگر ایزدان قربانی کرد، به کار رفت (یشت ۵،۱۰۴؛ ۹،۲۵؛ ۱۷،۴۵). این واژه در نخستین فصل‌های وندیداد، کاملتر توصیف شده است. هورامزدا به زردشت می‌گوید که آنجا را «نخستین و بهترین سرزمین‌ها و سکونتگاهها» آفرید اما آنگرمینو<sup>۸</sup> (نک مدخل «اهریمن»<sup>۹</sup>) آن را به پتیارگی، دچار «ژدهای سرخ و زمستان دیوآفریده» کرد (وندیداد ۱،۲). اگر هورامزدا سرزمین‌هایی نه به خوشایندی ایران‌ویج را در چشم مردمانش دلپذیر نیافریده بود، «همه آفریده‌ها به ایران‌ویج روی می‌آوردند.» (وندیداد ۱،۱) با توجه به این دلپذیری سرزمین، عبارت وندیداد (۱،۳) که «در آنجا ده ماه زمستان و دو ماه تابستان است و [حتی] آن دو ماه نیز هوا برای آب و خاک و گیاهان [بیش از حد] سرد است. آنجا میانه و قلب زمستان است و [وقتی] زمستان تمام می‌شود، سیلاب‌های بسیار زیادی به راه می‌افتند» به نظر می‌رسد معدل‌گیری دیر هنگام و نامناسبی باشد. همانجا بود که هورامزدا یمه<sup>۱۰</sup> را به نشستی احضار کرد<sup>۱۱</sup> تا به او دستور دهد سرپناهی بسازد که در آن انسان‌ها، حیوانات و گیاهان خوب را از زمستان محافظت کند (وندیداد ۲،۲۰ به بعد).

1. iranicaonline.org/articles/eran-wez

2. \*aryānām waijah

3. 'ry' nwyjn

4. Aryānwēžan

5. airyanəm vaējō

6. Arədvī Sūrā

7. ANĀHĪD

8. Aṅra Mainyu

9. AHRIMAN

۱۰ برابر «جمشید» (مترجم).

۱۱ درباره هر دو (هورامزدا و یمه) گفته شده که بر دیگری ظهور کرد.

در کتاب‌های پهلوی، این افسانه مفصل است. در ایران‌ویج اولین چهارپا آفریده شد (بندهشن بزرگ ۱۳،۴؛ زادسپرم ۳،۵۰). از میان آن، رودهای دایتی<sup>۱۲</sup> (اوستایی: دایتیا<sup>۱۳</sup>) - که شامل موجودات موزی (خرفستَر<sup>۱۴</sup>) بیشتری از هر رود دیگری است<sup>۱۵</sup> - و دارَجَه<sup>۱۶</sup> (اوستایی: درجا<sup>۱۷</sup>) - که بر ساحل آن رود خانه پوروشَسَب<sup>۱۸</sup>، پدر زردشت قرار داشت (بندهشن، ۱۱۱. آ و ۷،۲۹) - جاری هستند. آنجا زردشت نخستین بار دینِ بهی را آشکار ساخت (بندهشن بزرگ ۳۵،۴۵).

تا اواخر دوره ساسانی، ایران‌ویج در مناطق غربی ایران به شمار می‌آمده: مطابق بندهشن بزرگ (۲۹،۱۲) «در منطقه (کوست) آذربایگان» بوده است. اما از فرگرد یکم وندیداد، چنین روشن است که باید ریشه آن در مناطق شرقی ایران، در نزدیکی استان‌های سغد، مرو، بلخ و دیگر مواردی که بلافاصله در ادامه آن نام برده شده، جستجو شود. «باور به اینکه سرزمین گویشوران زبان اوستایی، خوارزم بوده است از ۱۹۰۱ یعنی وقتی که مارکوارت<sup>۱۹</sup> برای اولین بار آن را اعلام کرد، به‌طور مداوم در حال رشد است. این بر دو فرض بسیار محتمل استوار است که وقتی نویسندگان اوستایی از کشور آریاناوئَجَه<sup>۲۰</sup> نام می‌برند، منظورشان کشور خودشان است؛ و آریاناوئَجَه دست‌کم تا حدی با ... خوارزم یکسان ... [و شامل] استان‌های مرو و هرات است.» (گرشویچ، ۱۰)

معنای وئَجَه نامشخص است اما بنویست<sup>۲۱</sup> (۲۶۵ به بعد) به‌شکل متقاعدکننده‌ای آن را از ریشه وِیگ<sup>۲۲</sup> به معنای «سریع حرکت کردن، گسترش یافتن» گرفته، به آن معنای «کش یافتن» می‌دهد. بنابراین معنای کامل آن باید از همراهی همیشگی آن با واژه‌های ونگهویه دایتییه<sup>۲۳</sup> به‌دست آید، مثلاً «گستره آریایی دایتیای نیک<sup>۲۴</sup>» (نک مدخل «آمودریا»<sup>۲۵</sup>). اگر این درست باشد، این اصطلاح باید دقیقاً برای نشان دادن سرزمین تصرف‌شده توسط ایرانیان در مرز رودخانه بزرگ ساخته شده باشد؛ مثلاً این اصطلاح مانند آیریوشیینه<sup>۲۶</sup> (یشت ۱۰،۱۳)، نه اصطلاحی قابل جابجایی برای کلیه سرزمین‌های تحت تصرف ایران، بلکه توصیفی از یک منطقه جغرافیایی خاص بوده که توسط مزدیسنان (زردشتیان) دوره اوستایی مُتقدم‌تری تصرف شده بود.

### کتاب‌شناسی

- Benveniste, Émile; "L'Érān-vēž et l'origine légendaire des Iraniens," *BSO(A)S* 7, pp. 265-74.  
 Gershevitch, Illya; "Old Iranian Literature," in *HO* I, IV, 2, 1, pp. 1-30.  
 Gnoli, Gherardo; *The Idea of Iran*, Rome, 1989.  
 Henning, Walter Bruno; "The Book of the Giants," *BSO(A)S* 11, pp. 52-74.

12. Dāitī	13. Dāityā	14. Xrafstar
	۱۵) گزارشی شاید بر اساس برگردان نادرست raođita (مار سرخ) به‌صورت rōdīg (رودی) در نسخه پهلوی وندیداد ۱،۲.	
16. Dāraja	17. Draja	18. Josef Markwart
19. Pourušaspa	20. Aryana Vaējah	21. Benveniste
22. Vaig	23. vaṇhuyā dāityayā	
		۲۳) رودخانه آمودریا.
24. ĀMŪ DARYĀ	25. airyō.šayana	